

حَقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی

مصطفی نجفی^۱
فرهاد زیویار^۲
مسعود مطلبی^۳

چکیده

هدف: «شکافت نسل و حقارت اجتماعی» دو عنصر بسیار خطرناک برای گفتمان حاکم بر جامعه ما با جمعیت جوان قابل توجه و تغییرات پرشتاب است. عدم پرداخت جدی به مطالبات جوانان و عدم توجه به ضعف گفتمان حاکم در حوزه مطالبات، به خصوص در حوزه معیشت و عدالت اجتماعی باعث شده نسل جدید تا حد زیادی پایبند به ارزشها و هنجارهای جامعه خود نباشند و شکاف عمیقی بین نسلهای جدید و نسلهای قبلی که خالق انقلاب بودند، ایجاد شود.

روش: روش تحقیق در این پژوهش، ترکیبی بود. در بخش نظری، بررسی نظریات روانشناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی، اسنادی و کتابخانه‌ای و در بخش کمی، توصیفی (از نوع پیمایشی) انجام شد. بر اساس نمونه‌گیری تقاطعی، 250 نفر از دانشجویان رشته‌های مختلف دانشگاه آزاد تهران مرکز (به طور مساوی: 125 دختر و 125 پسر) به شیوه هدفمند و با استفاده از پرسشنامه، آزمون شدند و برای راستی‌آزمایی از شیوه مصاحبه نیمه‌باز از 15 نفر از اساتید معارف کشور نتایج دانشجویان بازخوانی شد. **یافته‌ها:** موانع تأثیرگذار بر وضعیت حاکم، شامل دو بعد ضعف در هویت‌سازی (عدم توجه به شکافت نسل و الگوی حقارت اجتماعی و دستاوردهای علمی پیشین) و ضعف در ارزشگذاری و اقع مخاطب است؛ به طوری که نسل فعلی با بسیاری از ارزشهای قبل از خود بیگانه است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پیمایشهای دو دهه اخیر نشانگر افول استمرار شاخصهای گفتمان حاکم است؛ بدین معنا که عدم توجه به پژوهشهای علمی در این حوزه و نیازمندی‌های نسل جدید و از همه مهم‌تر؛ ضعف شدید در روش تبلیغی، موجب تضعیف مبانی و گفتمان حاکم شده است.

واژگان کلیدی: شکافت نسلی، حقارت اجتماعی، هویت ملی، روان‌شناسی اجتماعی.

دریافت مقاله: 98/12/14؛ تصویب نهایی: 99/04/25

1. دکترای اندیشه سیاسی؛ دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی. تهران، ایران.
2. استادیار علوم سیاسی؛ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی. تهران، ایران / نشانی: تهران، انتهای بزرگراه شهید ستاری، میدان دانشگاه بلوار شهدای حصارک، بلوار دانشگاه / شماره: 44865179 / Email: ziyar@ihcs.ac.ir
3. استادیار جامعه‌شناسی سیاسی؛ عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر. کرج، ایران.

الف) مقدمه

با مطالعه آثار جامعه‌شناسی و بررسی وضعیت جوامع در گذشته درمی‌یابیم که تفاوت فکری بین نسلها پدیده جدیدی نیست، بلکه از گذشته در جوامع انسانی وجود داشته است. تفاوت نسلی را به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، یکی از پیامدهای صنعتی شدن و تغییر و توسعه اقتصادی - اجتماعی در عصر معاصر برمی‌شمارند؛ به طوری که این پدیده در کشورهای غربی از دهه 1940 و به طور ویژه از دهه 1960 به بعد به یکی از حوزه‌های مطالعاتی مهم و گسترده در علوم اجتماعی تبدیل شده است.

ایران نیز در قرن اخیر به سبب قرار گرفتن در معرض برنامه‌های نوسازی و توسعه اجتماعی - اقتصادی، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و فرایند جهانی شدن، یکی از مهم‌ترین دوره‌های حیات اجتماعی خود را پشت سر گذاشته و شاهد رشد در ابعاد مختلفی از قبیل صنعتی شدن، شهرنشینی، سوادآموزی، تحصیلات دانشگاهی، جوانی جمعیت، گسترش وسایل ارتباط جمعی، گسترش ارتباطات داخلی و بین‌المللی، مهاجرت گسترده به شهرها و رشد طبقات متوسط بوده است. هر یک از ابعاد مذکور، به تنهایی یا همزمان می‌توانند منجر به تحول در ارزشها، نگرشها و هنجارهای نسلهای مختلف در یک جامعه شوند. اما در جوامعی همچون ایران که تغییرات ساختاری و ارزشی وسیعی را تجربه می‌کنند، عدم مدیریت صحیح تضادهای حاصل از این تغییرات در بخشهای مختلف جامعه به طور بالقوه زمینه را برای بروز مسئله شکافت نسلی و در شدیدترین حالت، حقارت اجتماعی و بحران هویت ناشی از این امر فراهم می‌سازد.

آلفرد آدلر¹ اعتقاد داشت که انسان، اجتماعی به دنیا می‌آید و به اجتماعی بودن خود علاقه‌مند است. این علاقه اجتماعی² در نوع آدمی، فطری و ذاتی است و مانند بسیاری از غرایز فطری دیگر، نیاز به تماس داشتن با عالم بیرون و راهنمایی و تربیت دارد. تماس کودک با عالم خارج، در آغاز از طریق مادر و خانواده، سپس از طریق مدرسه و بالاخره در جامعه با مردمان دیگر صورت می‌گیرد. این تماسها سبب پرورش حس اجتماعی و آموختن احساس مسئولیت و همکاری می‌شود. از سوی دیگر احساس برتری جویی فرد که در آغاز شخصی و فردی بوده، کم‌کم جنبه اجتماعی پیدا می‌کند. برای مثال، فرد به مصالح اجتماعی و نועدوستی می‌اندیشد و کمال خود را در این زمینه‌ها می‌جوید. از نظر آدلر، کسانی که احساس علاقه اجتماعی ندارند، ممکن است به افرادی نامطلوب از نظر اجتماعی، مانند روان رنجور، مجرم و مستبد و... تبدیل شوند. (کریبی، 1385: 151)

1. Alfred Adler

2. Social Interest

محقق در پایان‌نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری خویش که حاصل قریب به یک دهه پژوهشهای متمرکز او در مسئله علل وقوع انقلابها بوده است، در یک الگوی نظری، علل وقوع انقلابها را بر اساس چارچوب نظری آلفرد آدلر (علاقه اجتماعی)، عامل «حقارت اجتماعی» یافته است. در این الگو که به عنوان «اراده معطوف به هویت» نام گرفت، محقق نتیجه گرفته است که منشأ بیشتر انقلابها در درجه اول، وقوع حقارت اجتماعی ناشی از بحران هویت در جامعه است. وی در بررسی نظریات آدلر و انطباق آن با نگاره‌های موجود پیرامون بسیاری از انقلابها به این باور رسیده که هرگاه یک یا چند عامل در جامعه، رفته‌رفته جامعه را در وضعیتی قرار دهند که ارکان و ستونهای سازنده «هویت ملی» آن جامعه مخدوش شود، آن جامعه به «حقارت اجتماعی» مبتلا می‌شود. این پدیده در میان نخبگان اجتماعی و توده‌های عمومی مردم، رفتاری متفاوت را به جا خواهد گذاشت؛ اما به طور مشخص در هر دو طیف، این شکافت به تولید مضاعف «هراس اجتماعی» دامن می‌زند.

محقق در کتابی در همین رابطه (نجفی، 1394: 7) آورده است که به طور کلی عوامل پادهویت (عوامل تحقیرکننده در جامعه) می‌توانند ناشی از انواع بحرانها، شیوع بیماری‌ها، اعتیاد؛ مشکلات اقتصادی و معیشتی مانند تورم، بیکاری، جنگ یا تبلیغات مسموم و حتی بحرانهای بین‌المللی؛ معضلات و درگیری‌های سیاسی - فرهنگی؛ تبعیض و فساد اداری و قضایی؛ ایجاد اختلال در اصول اعتقادی و دینی؛ بحران در حوزه مسائل جنسی مانند ازدیاد فحشاء، بالا رفتن سن ازدواج یا کاهش سن بلوغ و...؛ هدررفت منابع ملی؛ تحقیر و تخریب نمادها و هویت‌های تاریخی - قومیتی و... باشد.

اکبری در تأیید این نکته معتقد است: «روان‌شناسان علل زیادی را برای شیوع هراس اجتماعی برشمارده‌اند؛ اما مهم‌ترین عوامل شیوع این پدیده را در دو عامل می‌دانند: نخست، تقویت پرخاشگری به علت ضرر و زیان اجتماعی - فرهنگی (بحران هویت)؛ برای مثال در بعضی مواقع به علت جنگ یا عوامل دیگر، پرخاشگری در جامعه تقویت می‌شود. بدیهی است در این وضعیت، پرخاشگری با فراوانی بیشتر در افکار یا تخیلات و اعمال افراد آن جامعه مشاهده می‌شود؛ چون جامعه به دلیل مقتضیات زمانی و مکانی خود پرورش آن را ضروری می‌داند. دوم، مشاهدات اجتماعی، مشاهده وقایع و اتفاقاتی که در جامعه رخ می‌دهد؛ مانند درگیری‌های اجتماعی، محدودیت‌های اجتماعی، تبعیضات و بی‌عدالتی‌ها و... که سبب ایجاد خشم و پرخاشگری در عموم جامعه می‌شود» (اکبری، 1381: 200).

آنچه بر اساس نظریات مقبول و معروف روان‌شناسی قابل درک است، این است که در شرایط حقارت اجتماعی، جامعه به سمت رفتارهای نامتعارف و عصبیت گرایش پیدا می‌کند و اینجاست که معضلاتی چون: افزایش چشمگیر بزه و جرائم اجتماعی در حوزه فردی، خانوادگی و اجتماعی؛ بالا رفتن آمار خودآزاری، خودکشی، طلاق، کودک یا همسرآزاری؛ بالا رفتن آمار تجاوزات به عنف؛ پایین آمدن

736 ♦ حقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی

آستانه تحمل عمومی و رشد درگیری‌های فیزیکی و همچنین تمایلات جامعه به سمت سنتها و آداب و رسوم نامتعارف پدیدار می‌شود.

محقق در ادامه پژوهشهای خود به این نتیجه رسید که اگر در چنین حالتی گفتمان جایگزینی (آنتی‌تز) در جامعه شکل بگیرد که توانایی هویت‌بخشی پیدا کند، فضای تشنج و خشونت موجود در جامعه، آنتالپی و پتانسیل لازم را برای وقوع انقلاب یا فروپاشی نظام حاکم و شکل‌گیری نظام سیاسی جدید مهیا می‌کند.

از مهم‌ترین عواملی که در طول عمر یک نظام سیاسی یا گفتمان حاکم می‌تواند منجر به پیدایش حقارت اجتماعی و وارد آمدن لطمات جدی به گفتمان حاکم شود، پدیده «شکافت نسلی»¹ است. دکتر تاجیک، استاد علوم سیاسی دانشگاه بهشتی در این خصوص می‌گوید: «در این جوامع، با ایجاد تغییرات پیوسته در جنبه‌های گوناگون شبکه سنتی زندگی و رشد نهادهای تازه مدنی، ارزشهایی متفاوت با هنجارها و باورهای سنتی در بین نسل جدید ظهور می‌کند و چون این ارزشها در ابعاد مختلف خود، سازگاری و هماهنگی چندانی با هنجارهای مورد قبول جوامع سنتی ندارد، بنابر این حوزه ارزشها به یکی از کانونهای بی‌ثباتی و بحران تبدیل می‌شود؛ به این صورت که هرگونه شکاف ارزشی - هنجاری میان حال و گذشته، باید و نیایدهای متفاوتی را فراروی نسلهای مختلف قرار داده و گسستی ژرف را میان آنان موجب می‌شود. این امر زائیده اختلال در فرایند انتقال ارزشها و هنجارها، نارسایی در فرایند اجتماعی شدن و کاهش مقبولیت و مشروعیت گروههای مرجع ارزشی است. در اثر فروپاشی اعتماد بین نخبگان و هنجارآوران و نسل جدید، وفاق نسلی متزلزل می‌گردد؛ در این حالت مناسبات بین نسلی که مکانیسم اصلی فرهنگ‌پذیری، انتقال ارزشهای اخلاقی و هویت‌یابی افراد یک جامعه است، مختل گردیده و تضاد و تنازع بین نسلها منجر به وقوع چندگانگی‌های ارزشی، فرسایش فرهنگی، بحران هویت و زوال اخلاقی جامعه می‌گردد که همه اینها در مجموع می‌تواند نابودی یک تمدن را در پی داشته باشد» (تاجیک، 1383: 77)

در گذشته‌های نه چندان دور، هویت هیچ‌گاه به عنوان مسئله مهمی به شکل امروز مطرح نبود؛ زیرا زندگی افراد در مسیرهای تعیین شده که توسط اعتقادات و ارزشهای سنتی هدایت می‌شد، حرکت می‌کرد. اما افول منابع هویت‌ساز سنتی، مثل الگوهای خانوادگی و ارزشهای مذهبی و همچنین رشد روزافزون و سریع الگوهای هویت‌ساز جدید مثل رسانه‌ها، فناوری و به طور کلی، فرایند نوسازی و توسعه، هویت افراد از خردترین تا کلان‌ترین سطح آن دچار تغییر و دگرگونی شده است.

737 ◆ مصطفی نجفی و همکاران

جی‌دان (1385:113) معتقد است که اهمیت و رواج فزاینده سازه هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوره معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار - حرکت از جامعه سنتی به مدرن - نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که تغییرات شدید هویتی را موجب شده است.

همچنین، تلاش خانواده‌ها و دولتها برای یکپارچه کردن ابعاد هویتی و بازگرداندن هویت‌های از دست رفته با مقاومت‌هایی روبه‌رو می‌شود و این مقاومت باعث چهل تکه شدن ابعاد هویتی آحاد می‌شود.

در بین ابعاد هویتی، بی‌شک عام‌ترین سطح آن؛ یعنی هویت ملی، جایگاه ویژه‌ای دارد و استحکام و استقرار آن می‌تواند افراد را در برابر تغییرات سریع جهان امروز تا حد زیادی حفظ کند. هویت ملی علاوه بر ایجاد همبستگی میان افراد جامعه، مسیر و هدف جمعی آنان را نیز مشخص می‌کند. دولتها با تکیه بر هویت ملی، نظام ارزشی مدنظر خود را از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد جامعه القا می‌کنند؛ به طوری که هویت ملی، متغیری محوری در تعریف ارزشها و هنجارهای جمعی افراد یک جامعه است.

برای شاخص‌های هویت ملی خیل عظیمی از نویسندگان و نظریه‌پردازان مواردی را تعیین کردند که تنها برای نمونه به یک تقسیم‌بندی ارائه شده از سوی اندیشمندان خارجی و داخلی اشاره می‌شود (رستگار و ربانی، 1392):

- کاستلز: ویژگی‌های مشترک فرهنگی.
 - جنکینز: تعاملات اجتماعی، ارزشهای زمان و مکان، تشابهات و تمایزات.
 - اسپایبرگر: تاریخ و اسطوره‌های مشترک فرهنگ عمومی، شرایط اقتصادی و قوانین.
 - میلر: فرهنگ مشترک.
 - اسمیت و جارکو: زبان مشترک / نمادهای مشترک.
 - پاردی و ویلس: بعد سرزمینی / بعد فرهنگی.
 - در بعد داخلی نیز ابعاد هویت ملی، در شش بخش فرهنگی، زبانی، اجتماعی، سرزمینی، سیاسی و دینی بررسی و تحلیل شده است.
 - میرمحمدی (1383: 322-323) عناصر هویت ایرانی را در چهار دسته از ارزشهای ملی، دینی، اجتماعی و انسانی طبقه‌بندی می‌کند.
 - گودرزی (1383: 113) نیز شش بعد را برای هویت ملی در نظر می‌گیرد که عبارتند از: اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی و فرهنگی - ادبی.
- در نهایت با توجه به تحقیقات انجام شده و مبانی نظری مرتبط، شش حوزه فرهنگی، زبانی، اجتماعی، سیاسی، قومیتی و دینی، استخراج و به عنوان شاخص هویت ملی در این تحقیق انتخاب شدند.

738 ♦ حقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی

از 20 سال گذشته تا کنون پژوهش‌های بسیاری پیرامون روابط نسلی در ایران با محوریت مقایسه ارزشها و نگرش‌های نسل پیر و نسل جوان انجام شده است که در ادامه، نتایج برخی از پژوهش‌های سالهای اخیر پیرامون این موضوع ارائه می‌شود (دانش و همکاران، 1393: 5-7):

1. «بررسی آگاهی‌ها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران» توسط منوچهر محسنی در سال 1374؛ نشان داد شکاف قابل ملاحظه‌ای میان دو نسل جوان و سالخورده وجود نداشته است، به جز گرایش فزاینده نسل 16 تا 24 ساله به ارزشهای مادی گرایانه. (محسنی، 1379)

2. طبق نتایج مطالعه سه نسل متوالی در سطح تهران به منظور بررسی شکاف بین نسلی در خانواده توسط تقی آزاد ارمکی در سال 1379، جامعه ایرانی در اثر عوامل بیرونی همچون افزایش جمعیت جوان، با شکاف نسلی روبه‌رو شده است؛ اما آداب و سنن، هنجارها و مهم‌تر از همه، نیاز عاطفی حمایتی والدین به فرزندان، سه نسل را به هم پیوند داده و مانع تبدیل تفاوت‌های نسلی به تعارضات نسلی شده است (آزاد ارمکی و همکاران، 1379). آزاد ارمکی در پژوهش دیگری در سال 1382 نشان داد که نسل جدید بیشترین نقش را در تغییر اجتماعی و فرهنگی داشته است؛ اما روابط نسلی همچنان کمتر تراجمی است، بلکه بیشتر بر اساس وجود ارزشهای اجتماعی مشترک تلفیقی است. (ساروخانی و صدیقی‌فرد، 1388: 23)

با مقایسه نتایج دو پژوهش مذکور در فاصله سه سال (1379 تا 1382) ملاحظه می‌شود که هر چند محقق، رابطه نسلی در ایران را هنوز کمتر تراجمی می‌داند، اما در عین حال این روابط را کاملاً توافقی نمی‌داند و از تلفیقی بودن این روابط بر اساس ارزشهای اجتماعی مشترک یاد می‌کند. این بدان معناست که روابط بین نسلی در دهه 1380 نسبت به دهه قبل از آن، تلفیقی از تراجم و توافق است. به بیان دیگر؛ با تشدید تغییرات فرهنگی و ارزشی، روابط بین نسلی به سمت شکاف در حرکت است، هر چند هنوز دین و خانواده، برای همه نسلها از اهمیت بالایی برخوردار است.

3. نتایج پژوهش «طرح ملی ارزشها و نگرش‌های ایرانیان» که دو نوبت در سالهای 79 و 82 انجام شد، حاکی از آن است که در هر دو پژوهش، کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان مربوط به نگرش آنان به مسائل اجتماعی (طلاق، بیکاری، اعتیاد و...) و بیشترین اختلاف در زمینه اعتماد اجتماعی و نگرش نسبت به ارزشهای دینی و انسانی بوده است. به طور کلی نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که جوانان در زمینه‌های تساهل در عقاید مذهبی، کاهش احساس تعلق به جامعه، عدم اعتماد اجتماعی و تأکید بیشتر بر ارزشهای مدرنیستی، تفاوت‌های زیادی با بزرگسالان دارند که بعضاً در طی زمان افزایش یافته است. (میدفر، 1383: 75)

4. یافته‌های «بررسی ایده‌آلهای جوانان درباره گرایش‌های دینی مردم در سال 1377» که توسط واحد سنجش افکار عمومی، تحقیقات و سنجش برنامه‌ای صداوسیما انجام شد، نشان می‌دهد که 68/9 درصد از افراد معتقدند گرایش‌های دینی نسل جوان ضعیف‌تر شده است و 60 درصد معتقدند بیشتر افراد فقط به

739 ♦ مصطفی نجفی و همکاران

ظواهر دین می‌پردازند. از نظر اولویت‌بندی فعالیتها برای جامعه نمونه، در حالی که تفریح و گردش 71/3، ورزش 61/8 درصد و علایق هنری 62/4 درصد را در بخشهای زیاد و خیلی زیاد به خود اختصاص داده‌اند، مسائل مذهبی تنها 13/8 درصد را در این حوزه به خود اختصاص داده است. (تاجیک، 1383: 181)

5. در تحقیق دیگری با عنوان «بی‌هویتی اجتماعی و گرایش نوجوانان به غرب» که توسط ابوالفضل اشرفی در سال 1377 در سطح شهر تهران صورت گرفت، محقق به این نتیجه رسید که 64 درصد از نوجوانان مورد مطالعه احساس بی‌هویتی می‌کنند و این امر به دلیل ضعف و ناکامی نظام اجتماعی در ایجاد زمینه لازم برای شکل‌گیری هویت اجتماعی در نوجوانان است. نوجوانان با قرار گرفتن در حاشیه جامعه و فقدان احساس تعلق به جامعه به گروه همسالان روی آورده و با عضویت گروهی خود در گروه همسالان، موقعیت جدیدی را در جامعه برای تعریف از خود پیدا می‌کنند. (همان)

6. طبق نتایج تحلیل ثانویه داده‌های حاصل از «موج چهارم پروژه بررسی ارزشهای جهانی در ایران» در سال 1384، جوانان کمتر از سالخوردگان به آموزه‌های سنتی در حوزه روابط خانوادگی و دینی توجه می‌کنند. مطالعه تطبیقی این پژوهش نشان داد بین تجانس فرهنگی بین نسلی و سطح توسعه انسانی جامعه، رابطه معکوس برقرار است؛ بدین معنا که در فرایند تغییرات حاصل از توسعه و مدرنیته، تجانس فرهنگی جای خود را به تشنج آرا در حوزه عناصر سنتی فرهنگ می‌دهد. (آزاد ارمکی و ملکی، 1386: 97)

7. یافته‌های تحقیقاتی حاصل از مصاحبه حضوری با 16824 نفر افراد 15 سال به بالا در 28 مرکز استان نشان می‌دهد که گرایش به سکولاریسم (باورهای عرفی)، به عنوان یکی از شاخصهای مدرنیته، بین جوانان گروه سنی 15-29 سال به طور قابل ملاحظه‌ای بیشتر از میانسالان و کهنسالان است. (تاجیک، 1383: 242)

8. نتایج تحقیق ملی «ارزشها و نگرشها در ایران» نشان می‌دهد که میل به تغییر اساسی وضع موجود (رادیکالیسم) در بین جوانان 27/4 درصد و در بین کهنسالان 17/3 درصد اهمیت یافته است (همان: 249). طبق نتایج حاصل از این پیمایش، بدینی به فضایل اخلاقی جامعه، نارضایتی سیاسی و اجتماعی در بین نوجوانان و جوانان بیشتر است و آنان نسبت به ایرانی بودن خود کمتر احساس افتخار می‌کنند. (همان: 263)

در تحقیق حاضر، محقق با ملاحظه تجربیات و پیشینه تحقیقات صورت گرفته، در پرسشهای خود سعی کرده سه عامل ذیل را همزمان در نظر بگیرد:

به تعداد مساوی به دختران و پسران دانشجوی در رشته‌های مختلف دانشگاهی آزمون داده است. به روش مصاحبه نیمه‌باز، بعد از آزمون دانشجویان به صورت تقاطعی، نتایج برای 15 نفر از اساتید گروه معارف در استانها و شهرستانهای دور و نزدیک ارسال و نظر دانشجویان توسط اساتید راستی آزمایی شد. در سؤالات این تحقیق، صراحت بیشتری به کار گرفته شده و همچنین شاید برای اولین بار به صورت تخصصی متن کتب و فضای حاکم بر دانشجویان در کلاسهای دروس معارف آموخته شده است.

ب) روش

روش پژوهش در این تحقیق، به دو صورت است؛ در بخش نظری از روشهای اسنادی و کتابخانه‌ای و در بعد پیمایشی از روش پرسشنامه‌ای و مصاحبه نیمه‌باز استفاده شده است. روشهای اسنادی و کتابخانه‌ای که در آنها از تکنیکهای تهیه پرسشنامه و فیش‌برداری استفاده می‌شود، برای انجام چنین پژوهشهایی بسیار کاربردی است. بنابر این، از روش اسنادی برای جمع‌آوری مطالب درباره مباحث نظری استفاده شده است. طبق تعریف بیکر، پرسشنامه «توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی بر اساس انتخاب نمونه‌ای تصادفی و معرف از افراد آن جمعیت و پاسخ آنها به یک رشته سؤال» (بیکر، 1377: 196)

در تعریف «پیمایش پرسشنامه‌ای» همچنین گفته شده: «برای گردآوری داده‌ها از روش پیمایش استفاده شده است که در آن از گروههای معینی از افراد خواسته می‌شود به تعدادی پرسش مشخص پاسخ دهند. این پاسخها مجموعه اطلاعات تحقیق را تشکیل می‌دهند. در تحقیقات پیمایشی علاوه بر توصیف، به تبیین پدیده‌ها نیز پرداخته می‌شود؛ بدین صورت که فرضیه‌هایی ساخته شده و سپس به آزمون کشیده می‌شوند. دواس نیز مشخصه پیمایش را شامل مجموعه ساختارمند یا منظمی از داده‌ها می‌داند که آن را ماتریس متغیر بر حسب داده‌های مورد می‌نامد» (دواس، 1388: 14 و 21)

در قسمت دوم پیمایش از تکنیک مصاحبه استفاده شده که یکی از روشهای تحقیق اجتماعی است و در آن اعضای جامعه آماری به پرسشهایی درباره موضوع مطالعه محقق پاسخ می‌دهند. آنها این کار را یا از طریق پرکردن پرسشنامه‌ای که در اختیارشان قرار می‌گیرد یا شفاهاً از طریق مصاحبه انجام می‌دهند. به عقیده برخی از جامعه‌شناسان، مصاحبه بهترین شیوه روش تحقیق جامعه‌شناسانه است؛ بدان معنی که شیوه نظام‌مند جمع‌آوری داده‌ها از طریق مصاحبه رودررو، تلفنی یا پرسشنامه خوداجرا است که از طریق پست برای اعضای جامعه آماری فرستاده می‌شود و بازمی‌گردد. (عضدانلو، 1388: 165)

از آنجا که اعتبار گویه‌ها و سنجها به نحوه تعریف مفهوم مورد بررسی بستگی دارد، در این تحقیق 250 عدد پرسشنامه در جامعه آماری مساوی از دانشجویان (125 دختر و 125 پسر) پخش و برای ارزیابی پایایی سنجها از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. ضمن اینکه بعد از استخراج نتایج آزمون مقدماتی پرسشنامه نیز برخی گویه‌ها اصلاح، حذف یا اضافه شدند.

تجزیه و تحلیل اطلاعات پس از گردآوری پرسشنامه و کدگذاری و استخراج آنها توسط رایانه، با نرم‌افزار اس.پی.اس.اس و بر اساس فرضیات موجود صورت گرفت و خروجی‌ها به دو شکل توصیفی و استنباطی بررسی شدند. در قسمت توصیفی از جداول فراوانی، درصدها و ... استفاده شده و سپس به تحلیل آماری پرداخته شده است.

741 مصطفی نجفی و همکاران

مصاحبه از نظر میزان سازمان‌یافتگی به سه دسته عمده تقسیم می‌شود:

ساختاریافته: اغلب به صورت تستی است و یک جواب از میان جوابهای موجود انتخاب می‌شود.
 نیمه ساختاریافته: سؤال یکسان است، ولی جواب باز و مصاحبه‌شونده در نحوه پاسخگویی مختار است.
 باز یا بدون ساختار: پرسشگر و پاسخ‌دهنده در باب یک موضوع توافق کرده و در طول بحث، سؤال و جوابها شکل می‌گیرند. (دلاور، 1383: 158-157؛ بی: 1384: 600)

ج) یافته‌ها

محقق در طول پیمایش خود بر اساس مفاهیمی که پیش‌تر توضیح داد، به طراحی سؤالاتی بر اساس «شاخصهای شش‌گانه هویت ملی» پرداخت و بر اساس موضوع پژوهش خود، کتب درس معارف اسلامی در دانشگاهها را بررسی کرد که نتایج آن تحقیق به راحتی می‌تواند علاوه بر نظر دانشجویان نسبت به کیفیت آن کتابها، به بازخورد نسل جدید از مفاهیم دینی و هویت ملی نیز بینجامد. به برخی از مهم‌ترین این نتایج اشاره خواهد شد.

جدول 1: رابطه دروس معارف و مؤلفه علاقه به زبان ملی

گویه‌ها	میانگین (1-5)	کاملاً مخالف	کاملاً موافق	ممتنع	مخالف	موافق	جمع
پاسداری از زبان فارسی و وظیفه ملی است.	3,99	6	76	42	9	70	203
		تعداد	37,4	34,5	20,7	4,4	3,0
ایرانی بودن افتخاری ندارد.	3,14	32	47	44	41	39	203
		تعداد	23,2	19,2	21,7	20,2	15,8
عضویت در جامعه ملی ایران هزینه دارد که حاضرم آن را پرداخت کنم.	2,72	39	21	62	50	30	204
		تعداد	10,4	14,9	30,7	24,8	19,3
عید نوروز، جشن ملی تمام ایرانی‌هاست.	4,55	2	136	15	4	46	203
		تعداد	66,7	22,5	7,4	2,0	1,0

742 ♦ حقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی

جدول 2: تأثیر دروس معارف در ...

گویه‌ها	میانگین (1-5)	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	ممتنع	موافق	کاملاً موافق	جمع
تین، توسعه، تعمیق بینش و نگرش دانشجویان درباره اسلام ناب محمدی	2,13	تعداد	72	57	57	12	5	203
		درصد	35,3	27,9	27,9	5,9	2,5	99,5
آگاهی‌بخشی در جهت مقابله با عقاید، افکار و اندیشه‌های انحرافی روز	2,26	تعداد	54	68	59	18	4	203
		درصد	26,5	33,3	28,9	8,8	2,0	99,5
پاسخگویی مناسب و صحیح به شبهات اساسی	2,18	تعداد	57	75	51	15	5	203
		درصد	27,9	36,8	25,0	7,4	2,5	99,5
تقویت غیرت دینی و هویت اسلامی و ملی دانشجویان	2,11	تعداد	70	66	45	19	3	203
		درصد	34,5	32,5	22,2	9,4	1,5	100,0
فراهم کردن زمینه‌های رشد فضایل اخلاقی و تزکیه دانشجویان	2,16	تعداد	70	66	45	19	3	203
		درصد	34,3	32,4	22,1	9,3	1,5	99,5
احساس می‌کم احتیاج به ارتقای دانش دینی در خود دارم.	2,90	تعداد	72	57	45	18	12	204
		درصد	35,3	27,9	22,1	8,8	5,9	100,0
کلاس دروس معارف اسلامی باعث افزایش و تحکیم ارزشهای دینی شده است.	2,08	تعداد	83	59	36	15	11	204
		درصد	40,7	28,9	17,6	7,4	5,4	100,0

جدول 3: رابطه حس میهن‌دوستی و دروس معارف

گویه‌ها	میانگین (1-5)	تعداد	کاملاً مخالف	مخالف	ممتنع	موافق	کاملاً موافق	جمع
علاقه‌ای به موسیقی سنتی ایرانی ندارم.	3,72	تعداد	21	20	28	59	76	204
		درصد	10,3	9,8	13,7	28,9	37,3	100,0
برای توسعه ایران تمام تلاش را خود را به کار می‌گیرم.	3,83	تعداد	7	13	46	81	57	204
		درصد	3,4	6,4	22,5	39,7	27,9	100,0
با دیدن تخت جمشید و پاساژگارد احساس غرور می‌کنم.	4,03	تعداد	4	16	37	59	87	203
		درصد	2,0	7,9	18,2	29,1	42,9	100,0
شناخت از تاریخ گذشته ایران، برایم اهمیت ندارد.	3,80	تعداد	8	24	32	70	65	199
		درصد	4,0	12,1	16,1	35,2	32,7	100,0
آیا در دروس معارف تقویت وطن پرستی و وطن دوستی را حس میکنید؟	2,20	تعداد	70	64	38	22	10	204
		درصد	34,3	31,4	18,6	10,8	4,9	100,0
کلاسهای دروس معارف اسلامی تا چه حد جذاب و با نشاط است؟	2,12	تعداد	93	42	36	15	17	204
		درصد	45,6	20,6	17,6	7,4	8,3	100
به نظر شما کتب درس انقلاب اسلامی چقدر واقعبات دوران پهلوی را درست بیان کرده است؟	2,19	تعداد	68	53	60	16	5	204
		درصد	33,7	26,2	29,7	7,9	2,5	100
چه مقدار ارائه دروس معارف را در ارتقاء سلامت معنوی مفید ارزیابی می‌کنید؟	2,27	تعداد	56	66	60	12	9	204
		درصد	27,5	32,4	29,4	5,9	4,4	100

مصطفی نجفی و همکاران 743

203	8	18	38	47	92	تعداد	2,04	نسبت به گذشته ترغیب شدم بیشتر به مطالعه دروس معارف بپردازم.
100,0	3,9	8,9	18,7	23,2	45,3	درصد		
204	8	20	48	51	77	تعداد	2,18	نسبت به فرهنگ ایرانی اسلامی ام علاقه مندر شدم.
100,0	3,9	9,8	23,5	25,0	37,7	درصد		
204	45	65	43	35	16	تعداد	3,43	احساس می کنم در جامعه، شهروند ارزشمندی نیستم.
100,0	22,1	31,9	21,1	17,2	7,8	درصد		
204	10	13	38	53	90	تعداد	2,03	حضور در کلاس دروس معارف اسلامی باعث امید و روحیه به زندگی شده است
100,0	4,9	6,4	18,6	26,0	44,1	درصد		
204	7	27	50	51	69	تعداد	2,28	شرکت در کلاس دروس معارف اسلامی تأثیر مثبتی در من به وجود آورده است.
100,0	3,4	13,2	24,5	25,0	33,8	درصد		
204	8	13	45	70	68	تعداد	2,13	عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی با نیازها و سؤالهای شبهات متناسب می دانید؟
100,0	3,9	6,4	22,1	34,3	33,3	درصد		

جدول 4: مؤلفه اعتماد به ساختار و نهادهای نظام حاکم

گویه ها	میانگین (1-5)	کاملاً مخالف	مخالف	ممتنع	موافق	کاملاً موافق	جمع
جدایی بخشی از کشورم، برایم اصلاً قابل تحمل نمی باشد.	2,34	83	33	35	41	12	204
		40,7	16,2	17,2	20,1	5,9	100,0
از تصمیمات حاکمیت سیاسی کشور (ولو درست یا غلط) حمایت می کنم.	2,32	67	61	57	12	4	202
		33,2	30,2	28,2	5,9	2,0	100
در حال حاضر در کشور، همه اقوام ایرانی مورد احترام و توجه اند.	2,50	58	70	16	32	26	202
		28,7	34,7	7,9	15,8	12,9	100,0
فضای جامعه به گونه ای است که اقوام مختلف ایرانی مورد توهین قرار نمی گیرند.	3,79	4	28	29	87	54	202
		2,0	13,9	14,4	43,1	26,7	100,0
حکومت برای همه اقوام کشور ارزش و احترام یکسانی قایل است.	2,19	76	57	34	26	9	202
		37,6	28,2	16,8	12,9	4,5	100,0
منطقه محل تولدم در قیاس با دیگر مناطق کشور از نظر اقتصادی عقب می باشد.	2,53	64	42	39	40	17	202
		31,7	20,8	19,3	19,8	8,4	100,0
همه ایرانیان ترک و فارس، کرد، عرب، آذری، بلوچ و ... وضعیت اقتصادی مشابهی دارند.	1,73	114	48	27	7	6	202
		56,4	23,8	13,4	3,5	3,0	100,0

در ادامه این پیمایش، برای راستی آزمایی و همچنین بررسی امکان تعمیم پذیری، نتایج حاصل از این پرسشنامه در یک فرم مصاحبه به 15 نفر از اساتید معارف (که حاضر به شرکت در مصاحبه شدند) از نقاط مختلف کشور و در دانشگاههای مختلف ارائه و از آنها خواسته شد تا نظر خود را پیرامون نتایج این

744 ♦ حقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی

نظرسنجی در کلاسهای خود بیان کنند؛ به بیان دقیق‌تر: «آیا آنها نیز چنین برداشتی از دانشجویان خود داشته‌اند؟» (به نظر اساتید اگر از دانشجویان آنها نیز چنین سؤالاتی پرسیده شود، درصدها همین گونه‌اند یا خیر؟).

انتخاب اساتید به صورت اتفاقی و تعداد آنان بر اساس جمعیت استان و نزدیکی و دوری از مرکز بود و سعی شد گستره انتخابی به شرح ذیل، در برگیرنده اکثر نقاط کشور باشد:

تهران: چهار نفر (دولتی، آزاد، علمی کاربردی، علوم پزشکی)؛ البرز: یک نفر (آزاد)؛ تبریز: دو نفر (دولتی، آزاد)؛ اراک: یک نفر (دولتی)؛ اصفهان: سه نفر (دولتی، آزاد، علوم پزشکی)؛ گیلان: دو نفر (آزاد آستارا، دولتی رشت)؛ اهواز: یک نفر (چمران)؛ مشهد: یک نفر (فردوسی).

از تعداد 15 نفر از اساتید حاضر به شرکت در مصاحبه:

در پاسخ به این سؤال که «آیا دانشجویان آنها نیز چنین اعتقادی نسبت به این سؤالات دارند؟»، 9 نفر جواب کاملاً موافق دادند؛ سه نفر مخالفت کردند و سه نفر در برخی دروس، بله و در برخی دروس، خیر (ممتنع) پاسخ دادند.

در علت یابی از اساتید که «چرا دانشجویان به نظرشان دچار چنین وضعیتی هستند؟»، 13 نفر از یک سو ضعف شدید محتوای دروس، برنامه‌های صداوسیما، ناکارآمدی‌های معیشتی و... را و از سوی دیگر، قوت رسانه‌های معاند در شبهه‌سازی و تغییر مذاق جوانان را به عنوان علت بیان کردند؛ که این موارد در نهایت موجب تغییرات در سبک زندگی و باورهای نسل جدید شده است. سه نفر از اساتید نیز کماکان معتقد بودند نسل جدید تفاوتی دارد، اما کماکان حافظ ارزشهای گفتمان انقلاب اسلامی و... می‌باشند.

بنابر این، با توجه به کثرت تأیید نتایج آزمون توسط اکثر اساتید در حوزه‌های مختلف دانشگاهی و شهرهای کوچک و بزرگ کشور، می‌توان این نتایج را به بازه زیادی از دانشجویان کارشناسی در سطح کشور تعمیم و نسبت داد.

د) نتیجه گیری

1. گسست نسلی و حقارت اجتماعی؛ خطری جدی و واقعی

با توجه به پیشینه تحقیق و پژوهشهای مرتبط با موضوع در دو دهه اخیر و نتایج حاصله از پیمایش محقق، متأسفانه گسست نسلی و تغییرات روزافزون آن در مذاق و سبک زندگی جوانان دیروز و امروز - به عنوان واقعیتی تأسف بار - در حال گسترش است و این نشانگر وضعیت خطرناک حقارت اجتماعی است؛ به طوری که در مصاحبه‌های صورت گرفته از اساتید، در نقاط مختلف کشور با خرده فرهنگها و جغرافیای متفاوت نتایج تغییر محسوس پیدا نکردند. از این رو، نظر به پژوهشها و الگوی نظری محقق در دو مقطع

کارشناسی ارشد و دکتری، در صورتی که گفتمان حاکم در کشور در مواجهه با یک پادگفتمان (آنتی تز) هویت بخش شود، می تواند خطرات جبران ناپذیری در کشور را به همراه داشته باشد.

برای مثال در گویه‌ها در پاسخ به سؤال «جدایی بخشی از کشورم، برایم اصلاً قابل تحمل نمی‌باشد»، 40,7 درصد کاملاً مخالف و 5,9 درصد کاملاً موافقاند و این یک تراژدی بزرگ است که جوانان کشور به خاک کشور خود تعلق خاطر نداشته باشند. نیم‌نگاهی به سؤالات مربوط به بخش «اعتماد به ساختار و نهادهای نظام حاکم»، هم گویای ناامیدی مفرط اقوام پیرامونی از عدالت توزیعی و اجتماعی است و هم گواهی بر تعمیق شکاف موسوم به «مرکز - پیرامون».

2. ضعف در ارزشگذاری و اقتناع مخاطب؛ حاصل مدرک‌گرایی و عدم توجه به علوم انسانی

متأسفانه عدم توجه به علوم انسانی، موج مدرک‌گرایی در کشور (به خصوص در رشته‌های فنی و پزشکی) و عدم توجه به مصادیق واقعی کار فرهنگی (استفاده از افراد غیر متخصص) از یک سو و رشد رسانه‌های مجازی و تصویری و پوست‌اندازی و تقویت جریان رسانه‌ای عبری - عربی علیه ایران اسلامی از سوی دیگر، باعث شده تا در سه دهه اخیر، به ویژه بعد از جنگ تحمیلی، فضای کشور عمیقاً دچار بحران فرهنگی و خلأ گفتمان باشد؛ به طوری که بسیاری از سیاستهای نظام در بین مردم تبیین و فهمیده نمی‌شود و روزه‌روز بر حجم سبب بی‌اعتمادی مردم نسبت به ارکان حاکمیت افزوده می‌شود. متأسفانه این وضعیت حاصل ترکیب گسست نسلی و حقارت اجتماعی است و نیازمند تفکر عمیق و تجدید نظر در بسیاری از حوزه‌های معرفتی است.

اگر به گویه‌ها و سؤالات جداول دقت شود، در پاسخ به گویه «عناوین و محتوای دروس معارف اسلامی را با نیازها و سؤالاتی شبهات متناسب می‌دانید؟»، 33,3 درصد کاملاً مخالف و 34,3 درصد مخالف بودند.

یکی از مهم‌ترین معضلات در مواجهه با نسل جدید، ضعف در ارزشگذاری و اقتناع مخاطب است. در بسیاری از موارد چه در حوزه دانشگاهی و چه در حوزه عموم جامعه، کلی‌گویی‌ها، ترس از بیان نظرات مخالفان و باقی نگذاشتن فضا برای بحث و تبادل نظر و تضارب آرا به قدری شدت گرفته که از نظر مخاطبان، گفتمان حاکم از دایره انصاف یا حتی حقیقت خارج شده است. برای مثال، در پیمایش سؤال «به نظر شما کتب درس انقلاب اسلامی چقدر واقعیات دوران پهلوی را درست بیان کرده است؟»، بیش از 50 درصد مخالف داشته است و موافقان این گزینه، کمتر از 10 درصد بوده‌اند؛ در حالی که درس انقلاب اسلامی در بین کتب دروس معارف، بیشترین ارتباط را با ماهیت انقلاب اسلامی دارد و این نگاه دانشجو به

746 ♦ حقارت اجتماعی و شکافت نسلی؛ پادهوریت ایرانی - اسلامی

رسمی‌ترین کتاب درسی که به صورت تخصصی به مقوله انقلاب پرداخته است، بسیار خطرناک و قابل تأمل است.

پیشنهادها

1. معضل شکافت نسلی به که عنوان یکی از یافته‌های تحقیق مطرح شد؛ امری بسیار کلی است که کار جمعی وسیعی از دستگاه‌های مختلف نظام حاکمیتی را می‌طلبد و این مسئله صرفاً با اقدام یک یا دو دستگاه و وزارتخانه حل نمی‌شود؛ در این خصوص لازم است شورای عالی انقلاب فرهنگی با تشکیل کارگروهی بسیار حرفه‌ای و ورزیده از فعالان فرهنگی و اجتماعی، تصمیمات متمرکز بر هویت‌سازی را اتخاذ و اجرایی کند.

2. پیشنهاد مشخص در این خصوص، استفاده حداکثری از اساتید علوم تربیتی و آموزش و همچنین بهره‌گیری از طیف کثیری از مشاوران روان‌شناس، مورخ، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی است که با بررسی دقیق‌تر متون و استفاده از روش‌های مهارتی و ابزارهای کمک آموزشی، تحولی شگرف در گروه معارف و دروس آن به وجود آورند. همچنین در مصاحبه با اساتید معارف این نکته مورد تأکید تقریبی همه اساتید بود که کتب موجود دارای ادبیاتی شعاری و غیر مستند و در بهترین حالت غیر اقلانعی‌اند.



منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ مهناز زند و طاهره خزایی (1379). «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی». علوم اجتماعی، ش 16: 30-3.
- آزاد ارمکی، تقی و امیر ملکی (1386). «رابطه ارزشهای سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان». نامه علوم اجتماعی، ش 30.
- اکبری، ابوالقاسم (1381). مشکلات نوجوانان و جوانان. تهران: ساوالان، چ دوم.
- بی، ارل (1384). روشهای تحقیق در علوم اجتماعی. ترجمه رضا فاضل. تهران: سمت.
- بیکر، ترازال (1377). نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: سروش.
- تاجیک، محمدرضا (1383). شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیلها، تخمینها و تدبیرها. تهران: مرکز مطالعات استراتژیک.
- جی دان، روبرت (1385). نقد اجتماعی پست مدرنیسم و هویت بحران. ترجمه صالح نجفی. تهران: پردیس دانش.
- دانش، پروانه؛ زهرا ذاکری نصرآبادی و عظیمه سادات عبداللهی (1393). جامعه پژوهی فرهنگی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال پنجم، ش 3: 30-1
- دلاور، علی (1383). مبانی نظری و عملی پژوهش. تهران: رشد.
- دواس، دی. ای. دی. (1388). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران: نی، چ دوازدهم.
- رستگار، یاسر و علی ربانی (1392). «تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد شش گانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان». جامعه‌شناسی کاربردی (دانشگاه اصفهان)، دوره بیست و چهارم، ش 2: 20-1.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی فرد (1388). «شکاف نسلی در خانواده ایرانی: دیدگاهها و بینشها». نامه علوم اجتماعی، سال سوم، ش 4: 31-7.
- عضدانلو، حمید (1388). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی، چ سوم.
- کریمی، یوسف (1385). تاریخچه و مکاتب روان‌شناسی. تهران: پیام نور.
- گودرزی، حسین (1383). گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران. تهران: تمدن ایرانی.
- محسنی، منوچهر (1379). بررسی آگاهی‌ها، نگرشها و رفتارهای اجتماعی و فرهنگی در ایران. تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- معیدفر، سعید (1383). «شکاف نسلی یا گسست فرهنگی». نامه علوم اجتماعی، دوره یازدهم، ش 4: 55-79.
- میرمحمدی، داود (1383). گفتارهایی درباره هویت ملی. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- نجفی، مصطفی (1394). نبرد در گرای 9-46 (بررسی زمینه‌ها و علل وقوع انقلابها از منظر روان‌شناسی اجتماعی). تهران: دانشگاه علمی کاربردی (فارسیران).

- Akbari, Abolqasem (2002). **Adolescents & youth Problems**. Tehran: Savalan, 2nd Ed.
- Azad Armaki, Taqi & Amir Maleki (2007). "The Relationship between Traditional and Modern Values at the Micro and Macro Levels". *Journal of Social Sciences Letter*, Issu 30.
- Azad Armaki, Taqi; Mahnaz Zand & Tahereh Khazaie (2000). "A Study of Social and Cultural Developments During Three Generations of Tehranian Families". *Quarterly Journal of Social Sciences*, Issue 16: 3-30.
- Azdanloo, Hamid (2009). **Fundamental Sociological Concepts: an Introduction**. Tehran. Pub. Ney.
- Babbie, Earl R. (2005). **The Practice of Social Research**. Translated by: Reza Fazel. Tehran: Pub. Samt.
- Baker, Therese L. (1998). **Doing Social Research**. Translated by: Houshang Nayebi. Tehran: Pub. Soroush.
- Danesh Parvaneh & Others (2014). **Sociological Analysis of the Generation Gap in Iran**. *Quarterly Journal of Cultural Sociology*. Vol. 5, Issue 3: 1-30.
- De Vaus, David (2009). **Surveys in Social Research**. Translated by: Houshang Nayebi. Tehran: Pub. Ney, 12th Vol.
- Delavar, Ali (2004). **Theoretical and Practical Foundations of Research**. Tehran: Pub. Roshd.
- G. Dunn, Robert (2006). **Identity Crises: A Social Critique of Postmodernity**. Translated by: Saleh Najafi. Tehran. Pub: Paradise Danesh.
- Goudarzi, Hussein (2004). **Discourses on the Sociology of Identity in Iran**. Tehran. Pub. Tamaddone Irani.
- Karimi, Yousef (2006). **History and Schools of Psychology**. Tehran. Pub. Payame Noor.
- Mirmohammadi D. (2004). **Discourses on National Identity**. Tehran: Motaleate Melli.
- Mohseni, M. (2000). **Study of Socio-Cultural Knowledge, Attitudes and Behaviors in Iran**. Can be found in: <http://noo.rs/22QsB>
- Moidfar, S. (2004). "Generation Gap or Cultural Rupture (Study of Generation Gap in Iran)". *Journal of Sociological Researches*, Vol. 11, Issue 4: 55-79.
- Najafi, Mostafa (2015). **Battle in the Direction of 9-46**. Tehran: Farsiran.
- Rastegar, Yaser & Ali Rabbani (2013). "An Analysis of National Identity and its Sextet Dimensions in Isfahan City". *Journal of Applied Sociology the University of Isfahan*, Vol. 24, Issue 2: 1-20.
- Saroukhani, B. & M. Sedaqatifard (2009). "Generation Gap in Iranian family; Approaches and Theories". *Journal of Sociological Researches*, Vol. 3, Issue: 4.
- Tajik, Mohammad Reza (2004). **Iranian Society and the Gap between Generations**. Tehran. Center of Strategic Studies.

